

اشاره: طارق علی، روزنامه‌نگار، مفسر و فعال سیاسی کهنه کار پاکستانی که در شهر لاهور زاده شده هم اکنون در لندن زندگی می‌کند.وی تاکنون چندین کتاب، تالیف‌نموده و بطور دائم برای نشریاتی همچون گاردین، نیشن و LondonReview of Books قلم می‌زند. وی همچنین عضو شورای سردبیری نشریه New leftReview نیز می‌باشد.وی در آخرین کتاب خود که ماه گذشته به چاپ رسیده روابط ناپایدار پاکستان با ایالات متحده را مورد بررسی قرار داده است. به همین بهانه سایت Democracy مباحثه‌ای با وی انجام داده که ترجمه آن تقدیم می‌گردد.

نظر تان را درباره حوادث اخیر بیان نمایید.
من فکر می‌کنم که ما در موقعیت فاجعه‌باری قرار گرفته‌ایم. در طی سال گذشته، مباحثاتی در داخل دولت ایالات متحده در مورد حمله به مرزهای پاکستان صورت گرفته است. بسیاری نه‌الزاماً درون دولت، بلکه مطمئناً جزء تشکیلات سیاسی و دفاعی، تلاش داشته‌اند تا فشار آوردن، از این سناریو جلوگیری کنند. دلیل آنان این بوده است که این امر ممکن است به یک الگو تبدیل شود و ایالات متحده تلاش کند تا ضربه وارد ساخته و پیشروی کند-منظورم این است که چنین ماموریت‌هایی در مرز پاکستان به کسانی کمک می‌کند که ایالات متحده قصد جنگیدن با آنها را دارد.

چگونه؟

از این جهت که پشتون‌های ساکن ایالت مرزی شمال غرب، خواهند گفت که بیگانگان در حال ورود به کشور و تهاجم به ما هستند و ما باید با آنها بجنگیم. و از این رو آنان به تعداد زیادی به جنبش ضد اشتغالگری که هم اکنون وجود دارد خواهند پیوست.

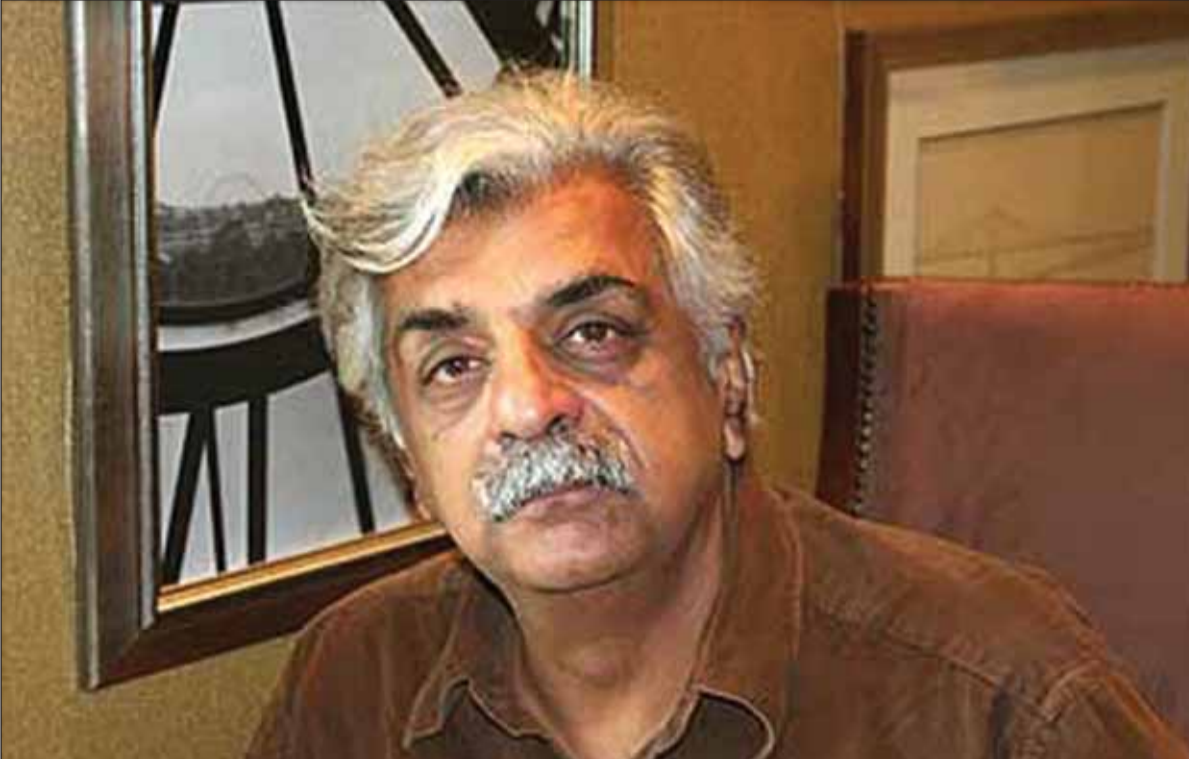
سناتور اوپاما به صراحت گفت که وی معتقد است ایالات متحده باید به‌طور یکجانبه با اهدافی که دارای ارزش بالایی هستند و دولت پاکستان حاضر به مقابله با آنها نیست، درگیر شود.

از نظر من، این اشتباه بزرگی است که اوپاما مرتکب می‌شود. وی پشیمان خواهد شد، زیرا من فکر می‌کنم‌وی بطور کامل با اوضاع افغانستان آشنا نیست. همان‌طور که می‌دانید، اشغالگران آمریکایی هر وقت در کشور به تنگنا افتاده‌اند، تلاش نموده‌اند تا همسایگان آن را متهم کنند در ویتنام، زمانی که شروع به بمباران کامبوج کردند، گفتند که مقصر کامبوج است. تهدید کردن ایران، و هم اکنون انجام ماموریت‌هایی در پاکستان، بمباران و کشتن غیر نظامیان در حالی که بحران واقعی و مشکل اصلی، جنگ و اشغال افغانستان است، کاملاً اشتباه می‌باشد. از آن گذشته، چندین سال یعنی ۷سال از واقعه یازده سپتامبر می‌گذرد. ۷سال افغانستان را در اختیار داشته‌اند و هر سال اوضاع بدتر می‌شود. آنها هر چه بیشتر دشمنی اهالی این کشور را برانگیخته‌اند و قادر به پیروزی در این جنگ نیستند. از این رو، آنها برای تو جرمیه ناکامی‌شان در ربودن قلب‌ها و اذهان اغلب مردم افغانستان، جنگ را به پاکستان می‌کشانند، و اوضاع داخلی پاکستان نیز رفته رفته نظامی‌تر می‌شود، زیرا یک تهدید جدی احساس می‌شود.

نظر تان درباره رئیس‌جمهور جدید پاکستان، زرداری، شوهر بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر سابق پاکستان چیست؟

اینکه زرداری در مورد تقویت دموکراسی صحبت می‌کند، تا حدودی سرگرم‌کننده است، زیرا تنها دلیلی که وی رئیس‌جمهور شد این بود که همسرش، این حزب سیاسی که از وی

رسالت



گفتگو با طارق علی، روزنامه نگار و تحلیلگر پاکستانی

به بهانه انتشار کتاب دوئل

پاکستان در مسیر پرواز قدرت آمریکا

ترجمه: یعقوب نعمتی وروجنی

برجامانده بود را به زرداری واگذار کرد. منظورم

چگونگی ریاست‌وی بر حزب مردم است، یعنی خواست بی‌نظیر.

خواست بوتو و پسرش

بلی. پسرش، وارث واقعی است، ولی وی قصد دارد نایب‌السلطنه باشد و زمانی که بزرگ شد، کشور را اداره کند. این مسئله چه ارتباطی با دموکراسی دارد؟

از سوی دیگر همگان می‌دانند که زرداری یکی از فاسدترین سیاستمداران پاکستان است. در زمانی که‌بی‌نظیر دوباره به‌قدرت رسیده زرداری بسیار ثروتمند و ثروت هنگفتی اندوخت. هم‌اکنون اتهاماتی در مورد پولشویی علیه وی در دادگاهی در ژنو در جریان است. درعین حال تنها رهبر

سیاسی که به مراسم تحلیف زرداری دعوت شده حامد کرزای بود و آنها هم‌دیگر را در آغوش گرفتند. (دوقولوهایی بر علیه ترور)ولی مردم می‌دانند که زرداری بسیار مقروض است. به چنی و خلیل زاد.

چگونه؟

آنان وی را بر سر کار آوردند، زیرا می‌دانستند او کیست. آنان از فساد وی آگاه بودند و وی آلت‌دست آنان است. اگر انتخابات مستقیم ریاست جمهوری برگزار شود، وی به هیچ وجه برنده نخواهد شد. محبوبیت وی فقط ۱۴در صد است.

او و رهبر مخالفان یعنی نواز شریف راجع به آزادسازی و بازگرداندن وکیلان و قضات به مناصب‌شان اختلاف نظر دارند. چرا زرداری از این مسئله حمایت نمی‌کند؟

رزداری مخالف قاضی ارشد دیوان عالی است، زیرا وی بسیار مستقل است و غرب که هم‌اکنون از زرداری حمایت می‌کند، با بازگشت به قدرت قاضی ارشد مخالف می‌کند.

افتخار چو داری.

افتخار چو داری می‌گوید زمانی که وی قاضی



گفتگو با طارق علی، روزنامه نگار و تحلیلگر پاکستانی

به بهانه انتشار کتاب دوئل

پاکستان در مسیر پرواز قدرت آمریکا

ترجمه: یعقوب نعمتی وروجنی

تمامی نظر سنجی‌ها، کاهش محبوبیت سریع وی را نشان می‌دهند.

در صورت برگزاری انتخابات مستقیم چه کسی برنده خواهد شد؟

من فکر می‌کنم اگر انتخابات مستقیم برگزار شود و افتخار چو داری، قاضی ارشد با زرداری رقابت کند، من شک ندارم که افتخار چو داری به قدرت دست خواهد یافت. و یا نواز شریف. کتاب شما «دوئل: پاکستان در مسیر پرواز قدرت آمریکا» نام دارد. چرا دوئل؟

دوئل، مبارزه‌ای است طولانی‌که توسط مردم این کشور، حدود میلیون‌هائفر از آنان، بر علیه نخبه‌های سیاسی فاسد مورد حمایت ارتش و ایالات متحده آغاز شده و هم‌اکنون ۵۰سال است که ادامه دارد.

■ دوئل، مبارزه‌ای است طولانی‌که توسط مردم پاکستان ، حدود میلیون‌ها نفر از آنان، بر علیه نخبه‌های سیاسی فاسد مورد حمایت ارتش و ایالات متحده آغاز شده و هم‌اکنون ۵۰ سال است که ادامه دارد
■ ما در موقعیت فاجعه‌باری قرار گرفته‌ایم. در طی سال گذشته، مباحثاتی در داخل دولت ایالات متحده در مورد حمله به مرزهای پاکستان صورت گرفته است

وی فقط بدین جهت باز داشته‌شده بود که ایالات متحده و انگلیس آن‌گونه می‌خواستند پس قاضی ارشد دستور آزادی وی را صادر کرد. در صورتی که زرداری فقط با ۱۴ درصد در اقبال عمومی مواجه است، پس وی چگونه رئیس‌جمهور شد؟

به این دلیل که انتخابات ریاست جمهوری پاکستان غیر مستقیم برگزار می‌شود، پارلمان و شوراهای ایالتی، رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند. حزب وی به دلیل تروری بی‌نظیر بوتو، درانتخابات پیروز شد. ولی در پی اینکه مشخص شد زرداری به ترندهای قدیمی خویش متوسل شده است،

کودکان پاکستان به دلیل سوء تغذیه، ناقص‌الخلقه متولد می‌شوند. این آمار برای من بسیار هولناک است. و هیچ‌یک از دولت‌های این کشور توجهی به نیازهای مردم نداشته و کاری در این مورد انجام نداده است. و این دوئل همچنان ادامه دارد. و عجیب است که بیشتر فقیران به افراط‌گرایی مذهبی روی نمی‌آورند. این امر قابل‌درک خواهد بود ولی آنان این‌گونه عمل نمی‌کنند،

هم اینک مشرف کجاست؟

فکر می‌کنم که مشرف در خانه‌ای که شدیداً توسط ارتش محافظت می‌شود، زندگی می‌کند. و احساس شخصی من این است که که‌وی بزودی به خارج سفر خواهد کرد. خانواده‌وی در نیویورک زندگی می‌کنند. وی یک برادر بزرگش در شینگاگو دارد. ولی من فکر می‌کنم که مشرف هیچ‌آینده‌ای در سیاست پاکستان ندارد.

میلیون‌ها دلار ایالات متحده در پاکستان و

در دوران مشرف، ناپدید شد. این امر در زمان زرداری نیز ادامه خواهد یافت. این پول‌ها کجا می‌روند؟ چه کسی این مسئله را تقویت می‌کند؟ همیشه این‌گونه بوده است. من دقیقاً نمی‌دانم که چه کسی این پول‌ها را می‌شوید. ولی همیشه این پول‌ها ناپدید می‌شوند. این مسئله همواره راجع به پولی که غرب به نخبگان سیاسی پاکستان داده، اتفاق افتاده است. و فکر نمی‌کنم که در دوران زرداری، این اوضاع تغییر کند.

شما همچنین در مورد آمریکای لاتین نیز می‌نویسید. هم‌اکنون می‌خواهم از شما راجع به بحران بولیوی سوال کنم. در اجلاس اضطراری شیلی، تمامی سران آمریکای لاتین از او و مورالس حمایت کردند. مورالس، گلدبرگ، سفیر ایالات متحده را از بولیوی اخراج نمود و گفت که وی جزء کسانی بود که تلاش داشته او را ساقط کنند.

ببینید، اوضاع در بولیوی که من پارسال در آنجا بودم، بسیار واضح است. شما با اکثریت مردم مواجهید که به مورالس رای داده و از وی حمایت می‌کنند، به فراندوم‌های وی رای داده و خواهان یک قانون اساسی جدید هستند. و شما با اقلیت سفید پوستی نیز روبرو هستید که نمی‌توانند تحمل کنند که یک بومی‌انتخاب شده، و به ریاست جمهوری رسیده و تلاش دارد تا به وعده‌های انتخاباتی خود عمل نماید. از این رو تلاش دارند تا وی را سرنگون کنند. آنان مزدورانی را از کشورهای همسایه اجیر کرده و از پشتیبانی ایالات متحده نیز برخوردارند. از این رو هر آنچه مورالس انجام می‌دهد، کاملاً قابل‌درک است. جالب این است که نشریات سطح بالایی چون اکونومیست و نیویورک تایمز دائماً می‌گویند که شما با وضعیتی در آمریکای لاتین مواجهید که میانه‌روهایی مانند لولا و بچلت در شیلی و تدر وهایی همانند چاوز و مورالس، حضور دارند. خوب، ایالات متحده هم‌اکنون آنان را با هم متحد نموده است. شیلی به آنچه که در بولیوی می‌گذرد، حمله کرده است. لولا نیز همچنین از این رو، اقدامات افراطی تروویستی در بولیوی، تقریباً تمامی آمریکای لاتین به استثنای کلمبیا، را متحد نموده است.

و کودتا؟ آیا کودتایی می‌تواند مورالس را سرنگون کند؟

خب، اگر کودتایی در بولیوی رخ دهد که مورالس را ساقط کند، با وضعیت جنگ داخلی احتمالی در این کشور مواجه خواهیم شد، زیرا مردم این کشور نمی‌توانند تحمل کنند که رئیس‌جمهور منتخبشان با کودتا سرنگون شود.

منبع: Democracy Now

۱۷ سپتامبر ۲۰۰۸
رفراندم هسته‌ای” تعبیر شده است؛ در تلاش بودند که خلاف واقعیت‌های ایران هسته‌ای متحده و یکپارچه را نمایش دهند و چنین وانمود و تبلیغات می‌کردند که مردم ایران برخلاف دولت ایران، مخالف فعالیت‌های هسته‌ای هستند! این عده به این اکتفا نکرده؛ و در جهت القای روح یاس و نومیدی و … به بطن جامعه نیز بیکار نشستند و مدام حرف‌های دشمنان قسم خورده انقلاب را تکرار می‌کردند که تولید انرژی هسته‌ای برای ایران پر هزینه و مقرون به صرفه نیست و ماقدر به بومی کردن فناوری هسته‌ای نیستیم!

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب نیز در ارتباط با همنوایی این عده در داخل با امواج یاس برانگیز تبلیغات بیگانه درموضوع هسته‌ای، چنین فرموده‌اند:
”عده‌ای در بحث انرژی هسته‌ای ادعا می‌کردند که ساخت و راه‌اندازی سانتریفیوژ در ایران واقعیت ندارد؛ اما هنگامی که این توانایی دانشمندان ملت برای همه ثابت شد، مدعی شدند که تلاش برای استفاده از انرژی هسته‌ای، کاری پر هزینه و بدون سود است که این نیز یک ادعای دروغین دیگر است. ”ایشان در همین زمینه خاطر نشان کرده‌اند:
”ملت ایران در طول بیست سال باید حداقل بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشد، وگرنه باید از روند پیشرفت دست بردار؛ بنابراین شاید امروز نیز که نظام برای استفاده از انرژی هسته‌ای، همت کرده است، دیر شده باشد.”

۷شوال ۱۴۲۹ – ۱۷اکتبر ۲۰۰۸ – سال بیست و سوم – شماره ۶۵۴۲
سه شنبه ۱۶ مهر ۱۳۸۷

دیدگاه
تیمز پتراس
ترجمه: ونعمتی

گسترش توالتاریسم در ایالات متحده

دروزه‌های اخیر شواهدفراینده‌های افزایش توالتاریسم در عرصه‌های سیاسی و رسانه‌ای ایالات متحده به چشم می‌خورد. کل جهان غرب به‌رهبری ایالات متحده از رژیم گرجستان که به اوستیای جنوبی حمله کرده، پایتخت ۵۰هزار نفری آن را ویران نموده و ۱۵۰۰ مرد، زن و کودک و چندین صلح‌بان روسی را به‌قتل رسانده، حمایت کرده‌اند. از سوی دیگر، ایالات متحده با بسیج ناوگان‌های هوایی و دریایی خود در سواحل ایران رویه تهدیدآمیزی را شروع کرده است.

نیویورک تایمز نیز با انتشار مطلبی از یک مورخ برجسته اسرائیلی، خواستار سوزاندن هسته‌ای ایران شد. تمامی رسانه‌های عمومی عمده آمریکانیز تبلیغات سازمان‌یافته علیه چین را افزایش داده و ضمن پشتیبانی از یک گروه تروویستی و جدایی طلب، افکار عمومی را برای آغاز یک جنگ سرد جدید، تحریک نموده‌اند. شکی نیست که این موج جدید تهاجم امپریالیستی و لغافطی ستیزه‌جویانه برای گمراه کردن مخالفت‌های داخلی و منحرف ساختن افکار عمومی از بحران عمیق اقتصادی، انجام می‌گیرد.

فاینشال تایمز سابقالیبرال مسلک و تریون روشن بین نخبگان اقتصادی (برخلاف وال استریت ژورنال نومحافظه‌کار و ستیزه‌جو) در برابر این وسوسه‌های تمامیت‌خواهانه-نظامی گمراه، مقاومت کرده بود. ولی مقاله اصلی ضمیمه آخر هفته فاینشال تایمز به اعتراضات اجباری یک مظنون حملات یازده سپتامبر که از طریق ۵سال شکنجه هولناک در سلول‌های زندان‌های مخفی گرفته شده، پرداخته است. تایمز برای رساندن مطلب خود، عکس نیم صفحه‌ای اغراق آمیزی از جرح تنت، رئیس سابق سیا به چاپ رسانده که در آن، وی را به صورت یک زندانی نامرتب، گیج و پشمالوی میمون‌نما به تصویر کشیده است. نوشتار نویسنده مطلب، چنین اعتراف می‌کند: فاینشال تایمز قبول می‌کند تا ابزار تبلیغاتی سیا در راستای بد نام کردن مظنون مورد نظر باشد، در حالی که محاکمه‌وی بر اعتراضاتی که از طریق شکنجه گرفته شده، مبتنی است.

مقاله مذکور از ابتدا تا انتها صریحاً اذعان دارد که



متهم ردیف اول یعنی خالد شیخ محمد، مغز متفکر خود گفته حملات یازده سپتامبر است. نصف‌اول مقاله، مملو از مسائل پیش پا افتاده بوده و برای فراهم نمودن احساسات انسان دوستانه نسبت به دادگاه و روند آن، تلوین شده است.قطعه عزم‌ت اصلی مقاله برای محکومیت متهم، اعتراف خالد، میل وی به شهادت، بر عهده گرفتن دفاع از خود و از حفظ خواندن قرآن است. بخش اصلی مدعای دولت آمریکا، اعترافات خالد می‌باشد. شواهد دیگر، غیر مستقیم، مبتنی بر شایعات و بر مبنای استنباطات برگرفته از حضور خالد در جلسات خارجی بوده است. منبع اصلی اطلاعات فاینشال تایمز یعنی یک خبرنگار ناشناس و آگاه از برنامه باجیو سیا بر دو واقعیت اساسی دلالت دارد: (۱) اینکه سیاهیل از یازداشت خالد تا چه حد از وی بی اطلاع بود و (۲) اینکه خالد بسیار بیشتر از دیگران مقاومت کرده است.

به عبارت دیگر، نه تنها شواهد واقعی سیا از طریق شکنجه به دست آمده است (سیا خود به غرق مصنوعی اعتراف می‌کند- شیوه شرم آور شکنجه که فرد را تا حد مرگ می‌پش می‌برد) اینکه خالد به کرات اتهامات خود را رد می‌کرد و فقط پس از ۵سال شکنجه در زندان‌های مخفی لب به اعتراف گشوده، کل این محاکمه را به عنوان موردی از رویه قضائی توالتایز، ترسیم می‌کند. جای تعجبی نیست که خالد با از سر گذاردن شکنجه به دست بازجویان قضائی و مواجهه با اتهاماتی که از اعتراف غیر مستقیم به دست آمده‌اند، وکیل نظامی منصوب شده از طرف دادگاه وارد کرد. وکیلی که خود جزئی از سیستم زندان‌های مخفی، شکنجه و دادگاه‌های فرمایشی است. به جای اینکه خالد را به دلیل رد یک وکیل، و به عنوان یک جرم اندیش ترسیم کنیم، باید اعتراف کنیم که وی در حق خویش برای حداقل محافظت از فضا و زمان محدود اختصاص یافته به وی برای بیان اعتقاداتش مصمم بوده حتی حاضرست در راه‌باورهایش، مرگ را پذیرا شود.اعترافات گرفته شده از طریق شکنجه، یوزه پس از ۵سال حبس انفرادی، در هیچ دادگاهی اعتبار ندارد. آنچه که فاینشال تایمز، «ابر تروویست» می‌داندش، اعتراف به وجود فردی است که از شکنجه‌های خارج از تحمل انسانی، رنج برده و برای پایان هستی هولناک و غیر انسانی خویش به مرگ چشم دوخته است.

استقبال فاینشال تایمز از سیا و شواهد اجباری و قهری و نابرابرین کاربرد شکنجه، دقیقاً آنان را در ادراک‌گاه دولت توالتایز قرار می‌دهد. چرخش به راست فاینشال تایمز، چرخش اروپا به سوی مواجهه نظامی ایالات متحده با روسیه و حضور نظامی در لهستان، جمهوری چک، کوزوو، عراق و گرجستان را نشان می‌دهد. فاینشال تایمز وسیله مشروعیت بخشی به شکنجه، راه را برای ورود اقدامات قضائی توالتایز، بازداشت‌های خورسانه، زندان‌های مخفی، حبس انفرادی طولانی مدت، شکنجه، دادگاه‌های فرمایشی و سلسله مقالات لا پوششانی، به زندگی سیاسی عادی غرب، باز کرده است. فاینسیسم آرام انگلیس نیز به اندازه نسخه ناآرام آمریکایی اش، مشتمل کننده است.

منبع: Counter currents.org

پاورقی
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
ارسال‌ن محمدی کارشناس فیزیک هسته‌ای

شکوفایی ایران هسته‌ای در سایه نوآوری، اتحاد و اعتماد به نفس ملی

